

نقش و جایگاه مردم در اداره کشور و حل مشکلات جامعه

فیروز اسدی کارشناسی ارشد الهیات و مدرس دانشگاه علمی کاربردی استان زنجان

چکیده

در جوامع دموکراتیک و مدرن، مردم به عنوان صاحبان اصلی قدرت و ثروت، نقشی اساسی در اداره کشور و حل مشکلات جامعه ایفا می‌کنند. این نقش در سطوح مختلف، از انتخاب نمایندگان و تصمیم‌گیری در امور کلان کشور تا مشارکت در فعالیت‌های محلی و نظارت بر عملکرد دولت، تجلی می‌یابد. حضور فعال و مسئولانه مردم در عرصه‌های مختلف، ضامن سلامت و پویایی جامعه، ارتقای سطح رفاه و عدالت اجتماعی، و حرکت به سوی توسعه پایدار خواهد بود، از طرفی شناخت صحیح نقش و جایگاه مردم در حاکمیت از اموری است که در سر نوشت سیاسی جامعه نقشی تعیین کننده دارد. متأسفانه این بحث از این منظر کمتر مورد توجه فقیهان و محققان بوده است و تاکنون بحثهایی که در اندیشه سیاسی اسلام صورت گرفته نگاهی از بالا و از زاویه شناخت وظایف حاکم، شرایط حاکم و مشروعیت او و... بوده و اگر احیاناً به این بحث پرداخته اند به صورت حاشیه ای بوده است. لذا این پژوهش بر آن است تا نقش و جایگاه مردم در اداره کشور و حل مشکلات جامعه مورد بحث و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: مشارکت مردم، اداره کشور، حل مشکلات جامعه

طبقه‌بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

The role and position of the people in running the country and solving society's problems

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year , Issue 25

Pages 1-20

Firuz Asadi

Master of Theology and Lecturer at Zanjan University of Applied Sciences

Abstract

In democratic and modern societies, people, as the main owners of power and wealth, play a fundamental role in running the country and solving society's problems. This role is manifested at various levels, from electing representatives and making decisions on major national affairs to participating in local activities and monitoring government performance. The active and responsible presence of people in various fields will guarantee the health and dynamism of society, improve the level of welfare and social justice, and move towards sustainable development. On the other hand, correctly recognizing the role and position of people in governance is one of the matters that plays a decisive role in the political destiny of society. Unfortunately, this discussion has received less attention from this perspective from jurists and researchers, and so far, the discussions that have taken place in Islamic political thought have been from a top-down perspective and from the perspective of recognizing the duties of the ruler, the conditions of the ruler, his legitimacy, etc., and if they have ever addressed this discussion, it has been marginal. Therefore, this research aims to discuss and examine the role and position of people in running the country and solving society's problems.

Keywords: People's participation, country governance, solving community problems

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

مسائل اجتماعی همواره در طول حیات اجتماعی بشر وجود داشته است. هرچند ورود به عصر مدرن باعث حل یا کاهش شماری از مسائل اجتماعی گذشته شده، در عین حال خود مدرنیته، مولد شمار متعددی از مسائل اجتماعی بوده است. بطوریکه امروزه شاهد تنوع، کثرت و رشد روزافزون مسائل اجتماعی هستیم (حاتمی، قاضی نژاد، باستانی و راد، ۲۰۲۳). انسان موجودی اجتماعی است به طوری که نمی تواند به تنهایی امور زندگانی خود را تنظیم کند و برای بر طرف کردن نیازهای خود به دیگران وابسته است. بررسی آثار تمدن انسان های گذشته این حقیقت را به اثبات می رساند که "زندگی اجتماعی" یک ضرورت غیر قابل انکار است. لذا لزوم ضرورت زندگی اجتماعی از یک طرف و امتیاز طلبی او از طرف دیگر، موجب درگیری و تنازع در جامعه ی انسانی می شود. برای بر طرف کردن چنین درگیری هایی از جامعه ی بشری، وجود قانون و مجری آن لازم و ضروری می باشد. پس از آنکه ضرورت زندگی اجتماعی برای انسان پذیرفته شد. ضرورت نظم اجتماعی مطرح می شود، زیرا زندگی اجتماعی بدون نظم، نه تنها به حال انسان سودمند نخواهد بود، بلکه زیان های جبران ناپذیری دارد. لزوم نظام و حکومت در جوامع انسانی از نیازهای بسیار اساسی بشریت است، زیرا عدم وجود حکومت موجب هرج و مرج و ناامنی در جامعه میشود و در چنین وضعیتی زندگی برای همگان تلخ و ناگوار خواهد شد. ضرورت وجود حکومت در زندگی بشر، آنچنان روشن است که نیازی به دلیل و برهان ندارد. (قدرتی سیاهمزی، طیبیه، نبی زاده درگاهی، سیده زهرا، ۱۳۹۵، ۲)

تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است؛ به طوریکه توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته اند، و فرآیند توسعه وقتی با ثبات و موفقیت همراه میدانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد (مقنی زاده، ۱۳۸۰، ۸) ولی مهم ترین و اصلی ترین شیوه بهره گیری از مشارکت فعال و همه جانبه مردم در روند توسعه، سازمان های غیردولتی هستند که به عنوان بخش سوم در کنار بخش خصوصی (بازار) و دولت (عمومی) در اداره جامعه نقش دارند (رضوانی، ۱۳۸۴، ۵). اگر توسعه سیاسی را به معنی گسترش مشارکت و رقابت گروه های اجتماعی در زندگی سیاسی در نظر بگیریم (بشیریه، ۱۳۸۰، ۱۱) بی شک یکی از پیش نیازهای آن مشارکت سیاسی خواهد بود؛ به این معنی که توسعه سیاسی زمانی تحقق پذیر است که در صدد جلب مشارکت مردم به عنوان سازندگان اصلی حیات سیاسی و اجتماعی باشیم. مشارکت سیاسی دارای دو تقسیم بندی است: ۱- مشارکت مستقیم؛ ۲- مشارکت غیرمستقیم. دخالت در تعیین سرنوشت و انتخاب و نظارت بر نظام سیاسی حاکم بر خود به صورت رأی دادن در چارچوب احزاب فراگیر را م میتوان مشارکت سیاسی مستقیم نامید، همچون انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران؛ اما مشارکت سیاسی غیرمستقیم، راهکاری برای دخالت مردم در امور سیاسی است به طوری که در این سیستم سیاسی، فعالیت های حزبی اولویت اول را داراست. در این سیستم، نظام سیاسی و دولت حاکم بر آن، برآمده از رای مستقیم و انتخاب رهبر سیاسی کشور به وسیله مجلس می باشند (حیدری، نصراله، جمشیدی، محسن، ۱۳۹۵، ۱۲۸)

میدانست - و همین جور هم هست؛ یعنی امروز مردم سالاری و حضور مردم به وسیله‌ی انتخابات امکان پذیر است و «انتخابات آن مسیر صحیحی است که مردم میتوانند به وسیله‌ی آن و از آن مسیر، حاکمیت ملی را، مردم سالاری را، جمهوریّت را در کشور تأمین کنند»^۱.

حکومت دینی، یعنی حکومت بر مردمی و حکومت مقبول مردمی که خصلت دینی دارند. (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴) حکومت مورد تأیید و تأسیس انبیاء حائز حقانیت و مشروعیت بوده و بنا نهاده بر مبنای غلبه و جور نیست. حکومت دینی، حکومتی است که بر مبنای مترقی اصول و ارزش های دینی قوام یافته و ترسیم گر الگویی به تمام معنا از یک حکومت دینی است. (کریمی والا، ۱۳۸۹، ۲۶)، امام علی(ع) حکومت و زعامت را در مسیر اصلی و واقعی اش به عنوان وسیله ای برای اجرای عدالت و احقاق حق و خدمت به اجتماع، مقدس می شمارد (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳). حکومت از مسائل محوری سیاست در هر جامعه ای، رابطه ی بین مردم و حکومت است. چون این رابطه هم از نظر حکومت و هم از نظر مردم بسیار موضوعیت دارد؛ طوری که در حوزه ی زندگی اجتماعی مردم، تفسیر سیاست، ارتباط مردم با حکومت است. (علم الهدی، ۱۳۸۷، ص ۱۴) بر قراری ارتباط بین مردم و حکومت، مساله ای است که هم در تداوم مشروعیت حکومت وهم از نظر تأمین خواسته های مردم توسط حکومت نقش دارد. اگر ارتباط بین حکومت و مردم حسنه باشد، هم مردم به حکومت خوش بین می شوند و با اطمینان در برنامه های آن را می پذیرند، هم حکومت با

« مردم » یکی از ارکان اساسی حکومت هستند. قرآن مجید می فرماید: « لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید، ۲۵) مردم نقش نظارتی مردم بسیار مهم و از ویژگی های بارز اجتماعی امت است. در هیچ اندیشه ی سیاسی، چنین نظارتی وجود ندارد و افراد مسئول نیستند که بر دیگران نظارت کنند (علم الهدی، ۱۳۸۷، صص ۲۰۰-۲۰۱) نقش مردم

مردم سه نقش عمده دارند:

- ✓ نقش ایجادي؛ که این نقش را با بیعت ایفا می کنند.
- ✓ نقش ابقایی؛ که با همراهی، مشارکت و اطاعت در صدد ایفای آن بر می آیند.
- ✓ نقش اصلاحی؛ که با نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر، مشورت و استیضاح، به ایفای نقش می پردازند. (ماندگار، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴۹).

مردم سالاری دینی یعنی «تلفیق آراء مردمی با افکار اسلامی و مبنای دینی در تشکیل و اداره ی جامعه یک اندیشه و تجربه ی نو برای بشریت بود که به وسیله ی نظام جمهوری اسلامی و امام خمینی(ره) عرضه شد. این الگو «با حرف ایجاد نمی شود، مردم سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می گیرد، امام انتخابات را مظهر مردم سالاری

¹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54928>

(موناشرشی) ۲- سلطنت نجبا (آریستوکراسی) ۳- حکومت عامه (دموکراسی) و برای مشروعیت هر کدام از این حکومتها ملاکهایی از قبیل: عقلایی، سنتی، کاریزمایی بیان کرده اند. (ر. ک: ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، مترجمین: دکتر عباس منوچهری و دیگران، انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ۲۷۲) اما نکته قابل توجه این است که هر شکل حکومت به تعبیر ماکیاولی در یک مقطعی مورد قبول مردم و راهگشا می باشد اما همین شکل حکومت پس از مدتی با عدم کارایی و مقبولیت مواجه می شود و به نوع بد حکومتی تبدیل می گردد. و هر یک از آنها به نوع اصلی خود به قدری شبیه است که انتقال از یکی به دیگری به آسانی صورت می پذیرد: «مناشرشی» به سهولت به حکومت «استبدادی» مبدل می گردد «آریستوکراسی» به «الیگارشی (الیگارشی مأخوذ از ریشه یونانی الیگوس^۱ به معنای معدود و اندک» الیگارشی از لحاظ لغوی به معنای سیادت گروه معدود بوده و در علم سیاست به مفهوم سیادت سیاسی - اقتصادی گروههای معدودی از ثروتمندان، استثمارگران و صاحبان نفوذ می باشد و یکی از اشکال حکومتی در نظام های استثماری بشمار می رود. (علی بابائی، غلامرضا و آقای، بهمن، فرهنگ علوم سیاسی، شرکت نشر ویس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷۳). «و «دموکراسی» به «آناشرشی (آناشرسیسم مأخوذ از ریشه یونانی) ۲، به معنای بدون رهبر می باشد، اما در اصطلاح سیاسی، آناشرسیسم عنوان دکترین ویژه ای است که خواستار الغای هر گونه قدرت سازمان یافته است و تشکل و تمرکز قدرت سیاسی را عامل فساد و در نهایت به ضرر انسانها می

برخورداری از مشروعیت می تواند مدیریت خود را بر مردم ادامه دهد(همان) عنصر مهم حکومت اسلامی پایگاه مردمی آن است و بدون جلب رضایت عمومی نمی تواند اسلامی باشد. از دیدگاه امام خمینی(ره) یکی از معیارهای اصلی تفکیک حکومت اسلامی از طاغوتی، همین رابطه ی بین مردم با حکومت است: «در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه همین تفاهم مابین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارضایی بکند، اذیت بکند» (امام خمینی(ره)، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۱۷۰)

تصدی حکومت، به دست آوردن یک وسیله است، نه این که یک مقام معنوی باشد؛ زیرا اگر مقام معنوی بود، کسی نمی توانست آن را غصب کند یا رها سازد. هر گاه حکومت و فرماندهی وسیله ی اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه ی اسلام شود، قدر و ارزش پیدا می کند، و متصدی آن صاحب ارجمندی و معنویت بیشتر می شود. ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه ی اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۵۵) عهده دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله ی انجام وظیفه ی اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه ی اسلام است. (همان، ص ۵۴)

حکومت ها چه در گذشته و چه در عصر حاضر شکل های مختلفی داشته اند از قبیل ۱- سلطنت شخص واحد

² Anarch

¹ Oligos

این تغییر و تبدیل یا دور و تسلسل به عقیده ماکیاولی دائماً جریان داشته و همیشه یک شکل حکومتی از بین رفته و شکل دیگری جایگزین آن می گردد. پیشنهاد وی برای عدم تکرار آن وضع، ایجاد حکومتی مختلط است که هر یک از ارکان سه گانه در آن حضور داشته باشند تا سوء استفاده نشود. ماکیاولی حکومت مختلط را در رم باستان تشخیص می دهد و می گوید: که در رم کنسولها، نماینده حکومت شخص واحد، مجلس سنا، نماینده نجبا و وکلای ملت، نمایندگی عموم مردم را داشته اند و بزرگترین عامل ثبات و استحکام رژیم سیاسی رم همین بوده است». (قاسم زاده، حقوق اساسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۳۱، صص ۱۱۲-۱۱۱) اصطلاح دموکراسیا برای نخستین بار، در آتن و در زمان کلیستن به کار رفت. وی در ۵۱۰ سال پیش از میلاد به حکومت هیپارک و برادرش هیپیاس پایان داد و با اصلاحات قانونی حکومت به دست تهیدستان و روستائیان افتاد حکومت مذکور دموکراسیا نامیده شد و کلیستن هم به نام بنیانگذار دموکراسی شناخته شد. بعدها در یونان قدیم، اصطلاح دموکراسی به حکومت عوام و آریستوکراسی به حکومت خواص اطلاق می گردید. (علی بابایی، همان، ج ۱، ص ۲۹۵)

منتسکیو طرفدار تفکیک قوا می باشد و اضافه کرده است که باید توازن بین این قوا وجود داشته باشد. به عقیده وی منظور از تفکیک قوا این است که زمامداران نتوانند از اقتدارات خود سوءاستفاده کنند تا در نتیجه آزادی و آسایش مردم محفوظ بماند. وی معتقد است تاریخ بشر ثابت می کند کسانی که متصدی حکومت و زمامدار مردم می باشند از مقام خود سوء

داند. (همان، ج ۱، ص ۱۶-۱۵).» (نیکولو ماکیاولی، گفتارها، ترجمه محمد حسن لطفی، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۲)

ماکیا و لی در توضیح و تشریح این مطلب می نویسد: «ابتدا مردم قویترین و شجاع ترین شخص را به سلطنت انتخاب می کنند و متعهد می شوند که تابع احکام و اوامر او باشند و اما چون به مرور زمان این شخص از قدرت خود سوء استفاده می نماید از این رو مردم او را خلع نموده و یک عده معدودی از متفکران و دانشمندان را به جای او تعیین می نمایند و بدین ترتیب حکومت نجبا برقرار می شود. حکومت نجبا بعد از آنکه موروثی گردید رفته رفته رو به انحطاط گذارده به تدریج مضمحل می شود. چه زمامداران منافع عمومی را فدای اغراض شخصی و منافع طبقاتی خود می نمایند و اما بر اثر مشاهده این وضع، عامه مردم بار دیگر طغیان نموده حکومت را از وارث متفکران و دانشمندان سلب می کنند و خودشان اداره امور را به عهده می گیرند. و بدین ترتیب حکومت دموکراسی تشکیل می یابد ولی زمانی نمی گذرد که حکومت عامه نیز رو به انحطاط و زوال می گذارد زیرا اشخاصی که به نام ملت فرمانروائی می کنند از حدود و قوانین تجاوز کرده و در صدد تأمین منافع شخصی خود بر می آیند و سرانجام توده مردم علم طغیان برافراشته باز اداره مملکت را به یک سلطان مطلق می سپارند که یکبار دیگر به حکومت نجبا تبدیل می گردد. ۱.

¹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54928>

سیاست، ترجمه لیلا سازگار، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۱۳۸) اساساً این نکته مد نظر همه متفکران بوده است که هر مقدار مردم دخالت و نظارت بیشتری داشته باشند جلوی دیکتاتوری و خود کامگی بهتر گرفته می شود.

نشانه‌ی استحکام پایه‌های مردم‌سالاری اسلامی

انتخابات پرشور برای کشور از همه جهت مهم است. هم از جهت حضور مردم و تحقق مردم‌سالاری به معنای واقعی کلمه مهم است؛ این را دست‌کم نگیریم، نگوئیم چون در فلان حرکت دولتی، مردم حضور نداشتند پس مردم‌سالاری نیست؛ نه، نفس حضور مردم برای انتخاب مسئولان کشور، از صدر تا ذیل، یک مسئله‌ی مهمی است؛ مسئله‌ی انسانی مهمی است، لذا مسئله‌ی تمدنی بسیار مهمی است؛ مردم‌سالاری است. لذا «در درجه‌ی اول، گسترش مشارکت و حضور گسترده‌ی مردم در انتخابات اهمیت دارد. چراکه مشارکت گسترده و حضور پرشور آحاد ملت در پای صندوق‌های رأی «نشانه‌ای آشکار از استحکام پایه‌های مردم‌سالاری اسلامی و دلبستگی همگانی به این موهبت بزرگ پروردگار» است. البته «اگر این شرکت پرشور مردم همراه بشود با یک انتخاب درست، خب این نورعلی‌نور است و آینده‌ی کشور را تضمین خواهد

استفاده می نمایند و برای این که از این سوء استفاده جلوگیری شود باید اقتدارات آنها را محدود کرد. لذا می گوید: «برای تأمین آزادی مردم، تفکیک قوا کافی نبوده بلکه بین قوای ثلاثه باید یک نوع تعادل و توازن برقرار گردد تا یکی از قوای مزبور نتواند نسبت به دو قوه دیگر اولویت و برتری پیدا کند و در همین رابطه پیشنهادهائی برای ایجاد توازن مطرح نموده است». (ر. ک: قاسم زاده، همان، صص ۱۳۱-۱۲۸)

کانت به نکته دیگری توجه داده است و می گوید: «باید تفاوت قایل شد میان شکل حکومت و طرز حکومت؛ شکل حکومت وابسته به تعداد اشخاصی است که متصدی حاکمیت می باشند و به همان سه قسم یاد شده تقسیم می شوند. اما طرز حکومت و شیوه اداره مملکت را به جمهوری و استبدادی تقسیم نموده است. وی معتقد است در دولت جمهوری تمام اهالی آزاد و مساوی هستند در صورتی که در مملکت استبدادی مردم از مساوات و آزادی محرومند. کانت به شکل حکومت اهمیت زیادی نداده، طرز اداره را بیشتر قابل توجه می داند». (همان، ص ۱۱۳) بطور کلی تلاش همه دانشمندان، اصلاح ساختار حکومت و تحدید آن بوده است و راه حل‌هایی را در این رابطه مطرح نموده اند تا اولاً جلوی زور و استبداد و دیکتاتوری گرفته شود و ثانیاً حضور و نظارت مستمر مردم تضمین گردد. زیرا همان گونه که یاد شد، هر شکل حکومت که به ظاهر مطلوب بوده، معمولاً پس از مدتی از مسیر اصلی خود منحرف گردیده و به خود کامگی و سوء استفاده از قدرت تبدیل شده است. لذا در تعریف دموکراسی توجه به این چهار اصل را ضروری دانسته اند و گفته اند: دموکراسی بارت از شکلی از حکومت است که مطابق با اصول ۱- حاکمیت مردم ۲- برابری سیاسی ۳- مشورت همه مردم ۴- حکومت اکثریت، سازمان یافته است. (آستین رنی - حکومت: آشنایی با علم

[دموکراسی] لذا احتیاج به این است که یک قیدی پهلویش بیاورند و این برای ما بسیار حزن انگیز است که در محتوای یک چیزی که همه چیزها به طریق بالاتر و مهمترش در آن هست، حالا ما بیائیم بگوئیم که ما اسلام می خواهیم و اما با اسلاممان دموکراسی باشد. اسلام همه چیز است. مثل این است که شما بگوئید که ما اسلام را می خواهیم و می خواهیم که به خدا هم اعتقاد داشته باشیم... ثانیاً این کلمه دموکراسی که پیش شما اینقدر عزیز است یک مفهوم مبینی ندارد... و ما در قانون اساسی مان نمی توانیم یک لفظ مبهمی که هر کس برای خودش معنی کرده است، آن را بگذاریم... من حالا برای شما مثال می زنم از این آزادی و دموکراسی یک چیزی که تاریخ می گوید و آن قضیه حضرت امیر علیه السلام است که در وقتی که رئیس و خلیفه رسول الله بود... وقتی یک اختلافی بین آن رئیس و یک یهودی حاصل شد، قاضی دعوت کرد او را به این که بیاید جواب دهد، او هم رفت در محضر قاضی نشست. قاضی خواست به او احترام بکند، گفت: نه، یک نفر قاضی باید احترام از هیچ کس نکند و ما علی السواء باید باشیم و بعد هم که قاضی حکم بر خلاف او کرد، او تصدیق و قبول کرد». (امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش، دفتر هفدهم و بیستم، صص ۳۲۸-۳۲۷) در حکومت اسلامی نه تنها تبعیض بین صاحبان قدرت و مردم عادی وجود ندارد بلکه صاحبان قدرت و کارگزاران، خدمتگزار ملت، هستند. در حکومت اسلامی هیچ

کرد. بنابراین «در درجه‌ی اول، مشارکتِ بالا است، بعد انتخاب مطلوب و انتخاب خوب است»^۱

انتخابات، بارزترین مظهر حضور مردمی

شرکت مردم در انتخابات می‌تواند همچون سنگری مستحکم سرنوشت ملت و کشور را از هر آسیبی مصون سازد. حضور مردم «در پای صندوقهای رأی بارزترین مظهر حضور مردمی است و این پشتوانه‌ی انقلاب و کشور است. اگر حضور مردم ضعیف شود، آن وقت [دشمن] استنتاج می‌کنند که بین مردم و نظام فاصله افتاده است؛ در این صورت راه را برای دخالت و سلطه و پنجه انداختن دوباره بر کشور هموار می‌بینند؛ از این جهت متوجه انتخاباتاتند. پس اهمیت اول انتخابات به خاطر این است که انتخابات سنگر کشور است؛ حضور مردم در پای صندوقهای رأی، مصون‌ساز سرنوشت ملت و مردم است و دشمن را از تعرض و تجاوز و پررویی بیشتر باز می‌دارد»^۲

بیانات امام خمینی

امام خمینی قدس سره در مصاحبه با اوریانا فالاجی در پاسخ به این سؤال که چرا در طراحی نظام سیاسی بعد از انقلاب اسلامی، روی کلمه «دموکراتیک» خط کشیده و نوشته اند:۳:

«جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر، چنین توضیح می دهند:

«بله این مسایلی دارد، یک مسأله این است که این توهم را در ذهن می آورد که اسلام محتوایش خالی است از این

³ <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n128917>

¹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54928>

² <https://www.khabaronline.ir/news/>

گذاری، اجرایی و قضایی بر اساس مصالح و نیازهای واقعی جامعه اسلامی محقق گردد. در مقابل، حکومت هم خیرخواه مردم باشد و بر اساس مصلحت آنان گام بردارد و در جهت تأمین رفاه و آسایش زندگی مادی و توسعه اقتصادی تلاش کند.

نقش و دخالت مسئولان مردم در اداره کشور

امام(ره) از حق مردم در تشکیل حکومت اسلامی غفلت نورزیده و فرمود: از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشند نکته قابل توجه در این بحث، اعتماد امام(ره) به ملت بود که در ادامه همین کلام فرمود: طبیعی است که چون ملت ایران بیش از نود درصد مسلمانند، باید این حکومت بر پایه‌های موازین و قاعده اسلامی بنا شود. پس برای ایشان مردم در طول دین محترم بوده و معارضه مردم با دین مفهومی نداشت.

امام خمینی(ره) با احترام به رأی عمومی مردم و با اعتماد به دینداری آنها در پی تشکیل حکومتی برآمد که پایه‌های آن براساس ولایت و مردم سالاری دینی است. در چنین ساختاری، نقش مردم در مشروعیت نظامی که پایه آن اسلام است، به وضوح آشکار می‌گردد.

در اینجا به چند مورد از تأثیر رأی مردم در نظام ولایی اشاره می‌شود:

تعیین نظام سیاسی کشور

امام(ره) فرمود: تعیین نظامی سیاسی با آرای خود مردم خواهد بود. امام(ره) در بیان روش انتخاب حکومت می‌فرماید:

گونه تعدی از سوی حکومت بر مردم و از مردم بر مردم وارد نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ۱۷۰)

هر انسان و هر سازمان انسانی نیازمند نظارت، بازرسی و پیگیری امور است. نظارت بر عملکرد کارگزاران و مسئولان و بازرسی امور و پیگیری کارهای انجام شده، انجام نشده و درست انجام نشده از مهم ترین اموری است که باید در هر سازمان به درستی صورت گیرد تا نظام امور از گردشی سالم و استوار برخوردار گردد و کجی ها و ناراستی ها به موقع شناخته و اصلاح شود. هر نظام اداری نیازمند نظارتی درست و بازرسی و پیگیری مستمر امور و نیز مسئولیت خواهی دقیق است. هیچ سازمانی بدون نظارت، بازرسی و پیگیری نمی‌تواند به سوی اهداف سازمانی خود سیر کند و بدانها نایل شود. سلامت و صلاحیت هر سازمان در گرو نظارت، بازرسی و پیگیری درست و پیوسته است؛ و در صورتی که این امر رعایت نشود، نمی‌توان انتظار داشت که کارها طبق برنامه، به سوی اهداف تعیین شده، به دور از خلل و تباهی پیش رود. نظارت و مراقبت بر اعمال و رفتار و شیوه‌ی مدیریت کارگزاران و عملکرد کارکنان جدی ترین مسأله در یک نظام اداری است. لازمه‌ی مسئولیت در هر مرتبه‌ای، پذیرش نظارت و مراقبت و پاسخگویی است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ۴۶۲). مشارکت های مردمی، صرفاً در امکان دست یابی به پست های مدیریتی و یا شرکت در اخذ تصمیم های حکومتی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه نظارت عمومی بر عملکرد دولت مردان در قالب پیشنهاد، اعتراض و انتقاد از عرصه های مهم مشارکت مردمی محسوب می‌شود، تا روند مدیریتی نظام ر زمینه های مختلف قانون گذاری، اجرایی و قضایی بر اساس مصالح و نیازهای واقعی جامعه اسلامی محقق گردد نظارت عمومی بر عملکرد دولت مردان است تا روند مدیریتی نظام در زمینه های مختلف قانون

در دیدگاه امام(ره) همه اقشار مردم موظفند در چارچوب قوانین اسلامی بر امور جامعه نظارت داشته و امر به معروف و نهی از منکر کنند. ایشان در اوایل نهضت چنین ویژگی ای را برای جامعه اسلامی پیش-بینی می کند و می فرماید: جامعه فردا، جامعه ارزیا ب و منتقدی خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست. (امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۷، ۸۷)

و بعد از پیروزی انقلاب نیز به آن سفارش می فرماید: این یک سفارش عمومی است... با کمال دقت ملاحظه کنید که کسانی به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان معممین، یک قدم خلاف بر ندارند که خدای ناخواسته چهره اسلام را برخلاف آنطوری که هست، قبیح نشان بدهند. این در نظر من از همه چیزها اهمیتش بیشتر است و مسولیت اش هم بیشتر... همه و همه موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند، اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. اگر دیدند که یک کمیته ای خدای ناخواسته برخلاف مقررات اسلام دارد عمل می کند، کشاورز باید اعتراض کند، بازاری باید اعتراض کند، معلمین و علما باید اعتراض کنند. سخنان امام خمینی(ره) هیچ بهانه ای برای خرده گیران در باب لزوم رعایت حق مردم باقی نگذاشته است. توصیه های ایشان سرتاسر، حکایت از لزوم توجه به مردم و سپاسگزاری و خدمتگزاری به آنهاست. ایشان هر مقام و پستی را فقط مسؤولیتی می داند که هدف از آن خدمت به خلق خداست(امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۷، ۲۷). بدین ترتیب با توجه به موارد فوق، در مجموع، دیدگاه امام خمینی(ره) درباره مردم این است که ایشان درباره مردم نقش خاص و پر اهمیتی قائل هستند که از آن تنها نمی توان تعبیر به مردم

همان مردمی که دست در دست هم دادند و دلیرانه عرصه را بر شاه تنگ کردند، همانها با هدایت کسانی که همیشه دلسوز آنان بوده اند، نوع حکومت دلخواه خود را انتخاب می کنند و بدیهی است که چون مسلمانند در همه مراحل کار، اسلام تنها ملاک و ضابطه نظام اجتماعی و نوع حکومت خواهد بود و بر این اساس من جمهوری اسلامی را پیشنهاد کرده ام و به رأی عمومی می گذارم.

حضور مردم در صحنه قانونگذاری

این اختیار و حق مردمی در تمامی شون حکومت جاری است، امام (ره) درباره انتخاب رئیس جمهور می فرماید: همه باید بدانند که امروز هیچ قدرتی نیست که بتواند یک وکیل را تحمیل کند. هیچ کس الان در ایران، هیچ مقامی در ایران نیست که قدرت این را داشته باشد که یک وکیل تحمیل کند و بنابراین، امروز مسولیت به عهده ملت است.

حضور مردم در انتخاب رهبر

امام خمینی(ره) یک ماه قبل از ارتحال، طی نامه ای به رئیس شورای بازنگری قانون اساسی از مجتهد عادللی که از سوی خبرگان برای رهبری تعیین می شود با عنوان «ولی منتخب مردم» یاد کرده و می نویسد: اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادللی را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است.

نظارت مردم بر امور کشور

دگرگونی و تغییر اجتماعی را ناشی از عوامل خارجی می‌دانند و به این دلیل تزریق و نشر داده‌های توسعه‌ای و جدید را در قالب برنامه‌های اصلاح و عمران اجتماعی پیشنهاد می‌کنند و بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه نیز تاکید دارند. مشارکت مؤثر، مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی، مشارکت قبل از اینکه مکود عینی پیدا کند پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و خلاصه در فرهنگ مردم جستجو کرد (طیب نیا و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۹؛ ۱۴۲).

- کولین^۳، جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند، وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی مشارکت، قبل از اینکه نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد. برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت، باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته ذهنی را دگرگون ساخت و این امر بدون کار فرهنگی میسر نمی‌شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۱۵۵).

- گولت^۴ مشارکت مردمی را به عنوان جزء حیاتی راهبردهای توسعه دانسته و آن را واجد سه عملکرد عمده می‌داند. از دیدگاه وی، مشارکت اجتماعی اولاً نحوه برخورد غیر ابزاری دولت با مردم و احساس ارزشمندی را تضمین می‌کند. ثانیاً مشارکت به عنوان وسیله ارزشمندی برای بسیج، سازماندهی

داری کرد بلکه می‌توان گفت در نزد امام و دیدگاه ایشان در واقع مردم نقش فاعلی را در تحقق حکومت داشته و به عبارتی نقش آنان به گونه‌ای است که باید گفت اراده مردم بر حکومت به شکلی تبلور یافته و خود را نشان می‌دهد و به قول حضرت امام (ره) با اراده ملت‌ها، اراده‌ای که تبع اراده خداست، اراده‌ای که برای خداست غیر ممکن‌ها ممکن می‌شود.

نقش و جایگاه مردم در اداره کشور و حل مشکلات جامعه، موضوعی بسیار مهم و حیاتی است که در طول تاریخ مورد بحث و بررسی اندیشمندان و متفکران مختلف قرار گرفته است. دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد، اما می‌توان به طور کلی گفت که مردم در همه جوامع نقش اساسی در اداره کشور و حل مشکلات جامعه دارند.

نظریه‌ها و مدل‌های مشارکت مردمی

در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان؛ در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو مشارکت دارای دو بخش ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد. در هر دسته، نظریه‌های متعددی مطرح می‌شود (نوری، ۱۴۰۲؛ ۱۶۳):

- به تعبیر رولند کولین^۱، جامعه‌شناسان توسعه‌گرا به پیروی از مرتون و پارسونز^۲ توسعه را ذاتی ساختار اجتماعی دانسته و

واقعیت که مشارکت هم هدف و هم ابزار توسعه دانسته شود مشکل است. اینکه مشارکت به عنوان هدف یا ابزار مورد توجه قرار می‌گیرد مبتنی بر ایدئولوژی است تا حقیقت، زیرا توسعه با ارزش‌های ابزاری و ذاتی و مشارکت گسترده مردم در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و بهره‌گیری شناخته می‌شود (صیامیان گرجی، ۱۳۹۹؛ ۲۲).

مشارکت تعاملی^۳، که افراد در فرایند آن در تجزیه و تحلیل، توسعه برنامه کاری، و تشکیل و تقویت موسسات محلی، مشترکا مشارکت می‌ورزند. مشارکت نه فقط به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف پروژه‌ها، بلکه به مثابه حقی برای اجتماعات محلی شناخته می‌شود. این فرایند به روش‌شناسی میان رشته‌ای نیاز دارد و از فرایندهای یادگیری منظم و سازمان-یافته استفاده می‌کند. نظر به اینکه گروه‌ها در این نوع مشارکت بر روی تصمیمات محلی کنترل دارند و نحوه استفاده از منابع در دسترس را تعیین می‌کنند، بنابراین در حفظ ساختارها یا برنامه‌ها نقش خواهند داشت.

پیشینه تجربی پژوهش

از نظر به‌روزیاتی، فاطمه؛ سلطان محمدی، فاطمه؛ زارع کار، (۱۴۰۲)، در مطالعه ای با عنوان (جایگاه مشارکت مردم در تداوم انقلاب اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)، مشارکت مردم در حفظ و اداره حکومت، یکی از ارکان نظام سیاسی و اجتماعی اسلام است. حکومت جمهوری اسلامی ایران که تجلی حکومت دینی در عصر معاصر است، مظهر

و تعالی بخشیدن به فعالیت‌های توسعه خود مردم به عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی خود به شمار می‌رود. ثالثا مشارکت به مثابه کانالی است که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و بزرگتر تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کنند. بدون مشارکت، راهبردهای توسعه غیرمردمی و بی‌نتیجه خواهند بود (نصرالهی، ۱۳۹۳؛ ۳۲۱).

- نظریه جیمز میجلی^۱ (۱۹۸۶): میجلی بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱- شیوه ضد مشارکتی: طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. ۲- شیوه مشارکت هدایت شده: در این شیوه، دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند ۳- شیوه مشارکت فزاینده: در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به شکلی دوگانه عمل می‌کند؛ به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملا در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد. ۴- شیوه مشارکت واقعی: در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارها و ساختارهایی برای ورود موثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳ به نقل از عزیزی و پیرکار، ۱۴۰۱؛ ۸۲).

- عثمان و اف^۲ درخصوص ابزار یا هدف بودن مشارکت معتقدند هر نوع تحلیل و ارزیابی از مشارکت با توجه به این

مردم در محله‌های شهری می‌باشد. نتایج حاصل از آن نشان داد که شکاف زیادی در مقوله مشارکت در بین مسئولان، مدیران، نهادهای محلی و سایر ارگانهای دست بالا وجود دارد که ناشی از تفاوت زیر ساخت‌ها، پایگاه اقتصادی، اجتماعی، باورهای فرهنگی و ویژگی‌های جمعیتی، بی‌اعتمادی، بی‌توجهی به نظرات ساکنین، تحقق نیافتن خواسته‌های آنان، منفعت طلبی و عملکرد ضعیف شورا یاری می‌باشد.

شریعت پناهی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان «ارایه الگوی مشارکت سازمانهای مردم نهاد در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران)» انجام داده است. این پژوهش به روش ترکیبی انجام شده است. در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای در خصوص مشارکت سمن‌های زنان در دسترسی آنان به الگوی حقوق اجتماعی با مدیران سمن‌های زنان صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس نظرات جامعه نمونه در بخش کمی فرضیه اصلی، الگوی مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی در ایران الگوی یکپارچه، شبکه‌ای و بومی شده تعاملی نیست، تأیید شد. همچنین یافته‌ها بر اساس نظرات جامعه نمونه، فرضیه سطح حقوق اجتماعی زنان در قوانین ایران از یکپارچگی و انسجام پایینی برخوردار است، را مورد تأیید قرار داد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که جایگاه سمن‌ها در ایران از اثرگذاری و قدرت نفوذ پایینی برخوردار است، را تأیید کرد. همچنین بر اساس نظرات جامعه نمونه، عوامل اجتماعی و اقتصادی بر مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار هستند و این فرضیه تأیید شد. در نهایت یافته‌ها فرضیه داشتن تعامل بالای سازمان‌های مردم نهاد با نهادهای رسمی را رد کرد و پذیرفت که بر اساس نظرات

مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌باشد و مقام معظم رهبری همواره توجه ویژه‌ای به مسأله حضور مردم در صحنه داشته و جایگاه خاصی برای این امر قائلند. با توجه به ورود انقلاب اسلامی به گام دوم خود، آشنایی با جایگاه مشارکت مردم در تداوم انقلاب، امری ضروری است. هدف این پژوهش که به روش اسنادی و تحلیل مضمون و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است، تبیین تأثیر مشارکت مردم در تداوم و استمرار انقلاب اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مشارکت مردم در دو حیطه سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در امر تداوم و استمرار انقلاب اسلامی، در اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشد. از دیدگاه ایشان، اتکای انقلاب اسلامی ایران به حضور دائمی مردم، خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن در طی این سال‌ها و علت اصلی استمرار و راز زوال ناپذیری انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

مطالعه‌ای توسط (عالی شوندی ۱۴۰۲) با عنوان «تحلیل مشارکت مردمی در مدیریت محله‌های شهری». ارائه شد، در حال حاضر بسیاری از دست‌اندرکاران امور شهری بازنگری در شیوه‌های مدیریت شهری را ضروری میدانند علی‌رغم پیشینه طولانی شهرنشینی و وجود الگوهای سنتی در ایران پیروی از الگوهای متمرکز برنامه‌ریزی و مدیریتی امکان دخالت و مشارکت شهروندان را در اداره امور شهرها نداده است. یکی از مفاهیمی که امروزه در چارچوب اصول توسعه پایدار در شهرها (مطرح می‌شود، مشارکتی است که در سطح محل‌های متبلور می‌شود. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی شنوده اسنت هدف از این پژوهش بررسی و مطالعه بر روی میزان مشارکت

است، که در این مقاله نگارنده در صدد آن است که به تبیین نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی بپردازد.

عامل اعتبار و اقتدار ملی

از جنبه‌های سیاسی و آثار سیاسی هم برگزاری انتخاباتی پرشکوه و با حضور پرشور مردم برکاتی دارد. لذا انتخابات هر چه پُر شورتر و با اقبال عمومی بیشتری همراه باشد، آثار و منافع بیشتری برای کشور خواهد داشت. یکی از برکات حضور مردم در صحنه‌ی انتخابات این است که پشتوانه‌ی مردمی نظام را نشان می‌دهد: «این، در اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و اقتدار کشور تأثیر بی‌نظیری دارد؛ یعنی هیچ چیزی، هیچ ابزار قدرتی به اندازه‌ی حضور مردم، قدرت‌افزا برای کشور نیست. گرچه ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی برای کشور قدرت‌افزا و قدرت‌زا است «اما هیچ کدام به اندازه‌ی حضور مردم نیست؛ حضور مردم، نظام جمهوری اسلامی را به معنای واقعی کلمه قدرتمند می‌کند.

حضور و مشارکت مردم در انتخابات از لحاظ بین‌المللی نشان‌دهنده اقتدار ملی و ابهت بین‌المللی آنهاست: «از جهت وجهه‌ی خارجی انتخابات و حضور مردم و مشارکت مردم، نشان‌دهنده‌ی اقتدار ملی است... وقتی همه احساس کنند در دنیا -دشمن و دوست- که این ملت هوشیار است، بیدار است، سر پا است، عازم است، پُرانگیزه است، این کشور یک اقتداری، یک هیبتی در چشم همه پیدا میکند؛ چه دوست و چه دشمن و «هرچه صندوقهای رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت.

انتخابات در پیکره نظام اسلامی

جامعه نمونه، تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با نهادهای رسمی سهیم در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی پایین است. یافته‌های بخش کیفی نیز حاکی از آن است که مطالعه عملکرد سمن‌های مورد مطالعه در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی، در خصوص ابعاد پنجگانه حقوق اجتماعی، فعالیت سمن‌ها بیشتر مبتنی بر ابزار آموزش و به صورت مشارکتی فعالانه است اما در حوزه سیاست‌گذاری در حوزه حقوق اجتماعی زنان، مشارکت سمن‌ها به سمت منفعلانه تمایل دارد.

از نظر قدرتی سیاهمزیگی و نبی زاده درگاهی (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ی ای با عنوان (نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی)، لزوم ضرورت زندگی اجتماعی از یک سو و امتیاز طلبی افراد از سوی دیگر موجب تنازع و درگیری در جامعه‌ی انسانی می‌شود. برای بر طرف کردن چنین درگیری‌هایی از جامعه‌ی بشری، وجود حکومت، قانون و مجری آن لازم و ضروری می‌باشد. بنابراین در ضرورت وجود حکومت شکی نیست ولی آنچه موجب دغدغه خاطر اندیشمندان و مصلحان بشری گشته شیوه و نوع این حاکمیت است به گونه‌ای که در پرتو آن بتوان همه یا بسیاری از منافعی را که از وجود نظام اجتماعی و حکومت مورد انتظار است، تدمین کرد تا فرد و جامعه در پرتو آن، به سعادت شایسته در زندگی دست یابند. با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد دین اسلام، می‌توان آن را کامل‌ترین و بهترین قانونبرای زندگی بشر دانست؛ چون قانونی است که هماهنگ با تکوین و آفرینش انسان و جهان می‌باشد و به عنوان کامل‌ترین و بهترین قانون می‌تواند انسان را به سعادت برساند. از نظر اسلام، مردم یکی از ارکان اساسی حکومت هستند و لذا برای مردم و حاکمان در دایره خیرخواهی و مصالح عمومی حقوق و وظایفی مقرر فرموده

می‌کنید برای تحقق خواستها و آرزوها و گشودن گره‌های مهمی که برای شما در زندگی مطرح است، مناسب و شایسته است، وقتی او را انتخاب کردید، در واقع بلندترین قدم را برداشته‌اید، برای اینکه این مشکلات از بین برود البته «همه‌ی تحولات باید در چهارچوب باشد. اگر چنانچه کسی وارد میدان رقابت انتخاباتی و مسابقه‌ی انتخاباتی بشود، اما بخواهد چهارچوب را بشکند، او از قاعده‌ی نظام خارج شده است، از قواعد حرکت انتخاباتی خارج شده؛ این غلط است.

عامل امنیت و بازدارنده‌ی دشمن از تعرض به کشور

همچنین انتخابات سبب ناامیدی روزافزون دشمن از مقابله با نظام می‌شود: «وقتی دشمنان نگاه می‌کنند و می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس می‌کنند که نمی‌شود با این نظام معارضا کرد؛ چون با یک ملت نمی‌شود معارضا کرد چراکه «یک رژیم را با انواع و اقسام تضيیقات، فشار اقتصادی، تبلیغات گوناگون و جنگ روانی می‌شود تضعیف کرد یا ساقط کرد؛ اما وقتی ریشه‌ها مردم هستند و این نظام و مسئولین نظام به مردم متصل هستند، دیگر کار دشمن مشکل می‌شود. لذا انتخابات «دشمن را از تعرض به کشور و ملت باز می‌دارد. حضور مردم مانع تعرض دشمن و برای مصونیت کشور است در واقع «انتخابات میتواند مظهر قوت ملی باشد.

اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می‌دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم و البته «وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن وقت علم در آن کشور

انتخابات موجب نشاط جدید و دمیده شدن خون تازه در پیکره‌ی نظام اسلامی می‌شود: «انتخابات چیزی است که موجب می‌شود مردم احساس کنند مسئولیت دارند، باید تشخیص بدهند، باید ببینند توی میدان. نشاط مردمی، خون تازه‌ای به رگهای نظام می‌ریزد و روح تازه‌ای می‌دمد و «حرکت تازه‌ای برای او پیش خواهد آمد، نشاط تازه‌ای پیدا خواهد کرد.

مقدمه‌ی تحوّل و رفع مشکلات

از برکات دیگر حضور مردم در انتخابات تحوّل در مدیریت کشور است: «تحوّل در مدیریت وجود دارد. این انتخابات‌ها یکی از بزرگترین محسناتش این است که از رکود جلوگیری می‌کند. بهترین شکل ادامه‌ی یک نظام اجتماعی این است که در عین ثبات، تحوّل داشته باشد و انتخابات مقدمه و زمینه‌ساز تحوّل است: «انتخابات در کشور تحوّل ایجاد می‌کند. بعضی‌ها اسم تحوّل را می‌آورند، اظهار طرفداری از تحوّل می‌کنند، اما عملاً آن چیزی که مقدمه‌ی حتمی تحوّل است، مورد بی‌اعتنائی‌شان قرار می‌گیرد؛ یعنی انتخابات راه حل اینکده صاحبان دیدگاه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به نفع دیدگاه سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی خودشان تحوّل ایجاد کنند «این است که با انتخابات — حالا چه انتخابات مجلس، چه انتخابات مجلس خبرگان، چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات شوراها — کسانی را که با آن فکر سیاسی آنها و جهت‌گیری سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی آنها همراهند، سر کار بیاورند؛ این می‌شود تحوّل بنابراین انتخابات «مؤثرترین وسیله برای این است که هر فردی بتواند آرمان‌ها و خواستها و مطلوب خود را در قالب اجرایی قرار دهد و آن را به تحقق نزدیک کند... کسی که فکر

نمایندگان موظف هستند که از حقوق و منافع مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود دفاع کنند.

- مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها: مردم حق دارند در تصمیم‌گیری‌های مهمی که مربوط به زندگی آنها می‌شود، مشارکت کنند. این مشارکت می‌تواند از طریق نظرسنجی‌ها، انتخابات، بحث‌های عمومی و سایر روش‌ها انجام شود.
- نظارت بر عملکرد دولت: مردم حق دارند بر عملکرد دولت نظارت داشته باشند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا ناکارآمدی، آن را به اطلاع مقامات مربوطه برسانند.
- اطاعت از قانون: مردم موظف هستند که از قوانین کشور اطاعت کنند. این امر برای حفظ نظم و ثبات در جامعه ضروری است.
- پرداخت مالیات: مردم موظف هستند که مالیات خود را به دولت پرداخت کنند. مالیات‌ها برای تامین هزینه‌های اداره کشور و ارائه خدمات عمومی به مردم استفاده می‌شود.
- خدمت به جامعه: مردم می‌توانند از طریق فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد به جامعه خود خدمت کنند.

علاوه بر این، مردم می‌توانند با انجام کارهای زیر به حل مشکلات جامعه کمک کنند:

- افزایش آگاهی: مردم باید از مشکلات جامعه خود آگاه باشند و برای حل آنها راه حل ارائه دهند.

پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می‌رسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند.

عامل اتحاد و قدرت ملی

از سوی دیگر حضور و مشارکت گسترده‌ی مردم در میدان انتخابات نشان‌دهنده‌ی وحدت ملی است: «مشارکت یعنی حضور پرشور مردم در انتخابات. اگر حضور پرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد و «وحدت ملی، همان چیزی است که می‌تواند پشتوانه همه تلاش‌های دولتمردان و مسؤولان و مبارزان و دلسوزان این کشور و این انقلاب باشد. بدون وحدت ملی، این کشور بزرگترین نیروی خود و مایه عظمت خودش را نخواهد داشت از طرفی «یکی از چیزهایی که در ایجاد قوت در کشور مؤثر است و کشور را قوی می‌کند، اتحاد ملی است در واقع «اتحاد ملی سد است؛ دیواره‌ی محکم سر به فلک کشیده است در مقابل دشمن. اتحاد ملی همان چیزی است که نقش بسیار عظیمی در پیروزی انقلاب، بعد هم در پیشرفت انقلاب داشته بنابراین «انگیزه‌ی ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود نتیجه این پیشرفت‌ها نیز به‌نوبه‌ی خود استحکام و اقتدار نظام است: «این پیشرفت‌ها نظام را مستحکم می‌کند، به نظام اقتدار می‌دهد.

برخی از مهم‌ترین نقش‌های مردم در این زمینه عبارتند از:

- انتخاب نمایندگان: مردم حق دارند نمایندگان خود را در سطوح مختلف حکومت انتخاب کنند. این

- دسترسی به اطلاعات: مردم باید به اطلاعات مربوط به عملکرد دولت دسترسی داشته باشند تا بتوانند از عملکرد آن آگاه شده و در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا ناکارآمدی، آن را به اطلاع مقامات مربوطه برسانند.

- نهادهای نظارتی: باید نهادهای نظارتی قوی و مستقلی وجود داشته باشند که بر عملکرد دولت نظارت کنند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا سوء استفاده از قدرت، با آن برخورد کنند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی:

- کار داوطلبانه: مردم می‌توانند با انجام کار داوطلبانه در زمینه‌های مختلف، به حل مشکلات جامعه کمک کنند.

- حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد: مردم می‌توانند با حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، به آنها در انجام فعالیت‌هایشان برای حل مشکلات جامعه کمک کنند.

- حفظ محیط زیست: مردم با حفظ محیط زیست و استفاده درست از منابع طبیعی، به حفظ و توسعه جامعه خود کمک می‌کنند.

مثال‌هایی از نقش‌آفرینی مردم در حل مشکلات جامعه:

- کمک به سیل‌زدگان: در سیل‌های اخیر که در برخی از نقاط کشور رخ داد، مردم با مشارکت خودجوش و کمک‌های نقدی و غیر نقدی خود به سیل‌زدگان یاری رساندند.

- آموزش: مردم باید دانش و مهارت‌های لازم برای حل مشکلات جامعه خود را به دست آورند.

- همکاری: مردم باید با یکدیگر همکاری کنند تا بتوانند مشکلات جامعه خود را حل کنند.

- مسئولیت‌پذیری: مردم باید نسبت به حل مشکلات جامعه خود احساس مسئولیت کنند و برای حل آنها تلاش کنند.

مشارکت در سطوح مختلف تصمیم‌گیری:

- انتخابات: مردم با انتخاب نمایندگان خود در سطوح مختلف حکومت، از جمله شوراهای محلی، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری، در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نقش‌آفرینی می‌کنند.

- نظرسنجی‌ها و بحث‌های عمومی: مردم می‌توانند از طریق نظرسنجی‌ها و بحث‌های عمومی در مورد مسائل مختلف کشور نظر خود را ابراز کنند و به تصمیم‌گیری‌ها جهت دهند.

- تشکل‌های صنفی و مدنی: مردم می‌توانند با تشکیل تشکل‌های صنفی و مدنی، حقوق و منافع خود را پیگیری کرده و در تصمیم‌گیری‌هایی که مربوط به حوزه فعالیت آنها می‌شود، مشارکت کنند.

نظارت بر عملکرد دولت:

- آزادی بیان و رسانه: مردم باید از آزادی بیان و رسانه برخوردار باشند تا بتوانند به طور آزادانه عملکرد دولت را نقد و بررسی کنند.

- فراهم کردن فرصت‌های مشارکت: باید فرصت‌های کافی برای مشارکت مردم در امور مربوط به اداره کشور و حل مشکلات جامعه فراهم شود.

نتیجه‌گیری

مشارکت مردم چنین معجزه‌ای می‌کند که موجب وحدت ملی می‌شود، وحدت ملی و حضور پر قدرت مردم در صحنه، قدرت ملی می‌آفریند و قدرت ملی موجب امنیت می‌شود که امنیت نیز زمینه‌ساز پیشرفت علمی، شکوفایی اقتصادی و حل مشکلات گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خواهد بود. لذا «انتخابات به معنای واقعی کلمه یک فرصت مهم است و نباید مردم را دلسرد کرد از انتخابات... انتخابات انصافاً یک فرصت بی‌نظیر است؛ یعنی یک فرصت بی‌بدیلی است؛ هیچ چیز دیگری جای انتخابات را برای کشور و استحکام پایه‌های اقتدار کشور نمی‌گیرد. انتخابات حضور مردم است و وقتی مردم حاضر باشند، نظام را هیچ قدرتی نمیتواند تکان بدهد. مظهر مهم حضور مردم هم انتخابات است. بنابراین کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند، در واقع برای اقتدار کشورشان، برای حفظ کشورشان، برای امنیت خودشان و آینده‌ی کشور و سرنوشت کشور دارند تلاش می‌کنند. مردم نقش کلیدی در اداره کشور و حل مشکلات جامعه دارند. با مشارکت فعال مردم در امور مختلف، می‌توان به جامعه‌ای عادلانه، توسعه‌یافته و سعادت‌مند دست یافت.

بطور کلی حماسه‌های پرشوری که مردم در همه‌ی انتخابات پس از انقلاب آفریدند چهره‌ی استوار و پرافتخار ملتی را نشان داده است که با عزمی راسخ به افق بلند هدف‌های خود چشم دوخته و با دستی توانا به ساختن کشور خود همت گماشته است. در حقیقت یکی از راه‌های مهم قوی شدن ایران،

- پاکسازی محیط زیست: در برخی از مناطق، مردم به طور خودجوش اقدام به پاکسازی محیط زیست و جمع‌آوری زباله‌ها می‌کنند.

- آموزش به کودکان: در برخی از مناطق محروم، مردم با تشکیل کلاس‌های آموزشی به کودکان بی‌بضاعت آموزش می‌دهند.

موانع مشارکت مردم:

- فقدان آگاهی: برخی از مردم به دلیل فقدان آگاهی از حقوق و وظایف خود، در امور مربوط به اداره کشور و حل مشکلات جامعه مشارکت نمی‌کنند.
- بی‌اعتمادی به دولت: برخی از مردم به دلیل بی‌اعتمادی به دولت، تمایل به مشارکت در امور مربوط به اداره کشور و حل مشکلات جامعه ندارند.
- فقدان فرصت‌های مشارکت: در برخی موارد، فرصت‌های کافی برای مشارکت مردم در امور مربوط به اداره کشور و حل مشکلات جامعه وجود ندارد.

راهکارهای افزایش مشارکت مردم:

- افزایش آگاهی: باید با آموزش‌های عمومی و رسانه‌ای، آگاهی مردم از حقوق و وظایف خود در قبال جامعه و دولت افزایش یابد.
- ایجاد اعتماد: دولت باید با عملکرد شفاف و پاسخگو، اعتماد مردم را به خود جلب کند.

- انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی تابستان ۱۴۰۲ - شماره ۱۰۴ رتبه ب (حوزه علمیه/24) ISC صفحه - از ۱۳۷ تا ۱۶۰
- قدرتی سیاهمزیگی، طیبه و نبی زاده درگاهی، سیده زهرا، ۱۳۹۶، نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی، اولین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، <https://civilica.com/doc/643582>
- نوروزی، فیض اله، و بختیاری، مهناز. (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن. راهبرد، ۱۸(۵۳) (ویژه بررسی های فرهنگی و اجتماعی)، ۲۴۹-۲۶۹. <https://sid.ir/paper/89258/fa>. SID.
- عالی شوندی، فاطمه؛ (۱۴۰۲)، تحلیل مشارکت مردمی در مدیریت محله های شهری، همایش پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران مجموعه مقالات پانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران رتبه بین المللی (13 صفحه - از ۶۲۷ تا ۶۳۹
- بشیری، حسین (۱۳۸۸)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات گام نو.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدم های بر برنامه هریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس.
- علم کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۸)، اصول کافی، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدوق.
- الهدی، سید احمد، (۱۳۸۷)، ساختار امت، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- ماندگار، محمد مهدی، (۱۳۸۱)، خط مشی های سیاسی نهج البلاغه، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات صدرا.
- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۲۷)، کشف الاسرار، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۷، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چاپ چهاردهم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دشتی، محمد، (۱۳۸۳)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ بیست و چهارم، قم، موسسه امیرالمومنین

مشارکت در انتخابات است: «ما باید تلاش کنیم کشور را قوی کنیم. خب، کشوری و ملّتی که میبیند دشمنی های دشمنان و زیاده خواهان و مستکبران را، راه کار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوّت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است، این را همه قبول دارند؛ آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلماً ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزّت. ... ملّت هستند که این قوّت را به کشور می بخشند و حضور ملّت و مشارکتشان هم -اصل مشارکتشان، اندازه ی مشارکتشان -مسلماً در این قوّت ملّی تأثیر دارد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.

نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- قرآن کریم.
- بهروزبیتا، فاطمه؛ سلطان محمدی، فاطمه؛ زارع کار، حسین (۱۴۰۲) جایگاه مشارکت مردم در تداوم انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم